

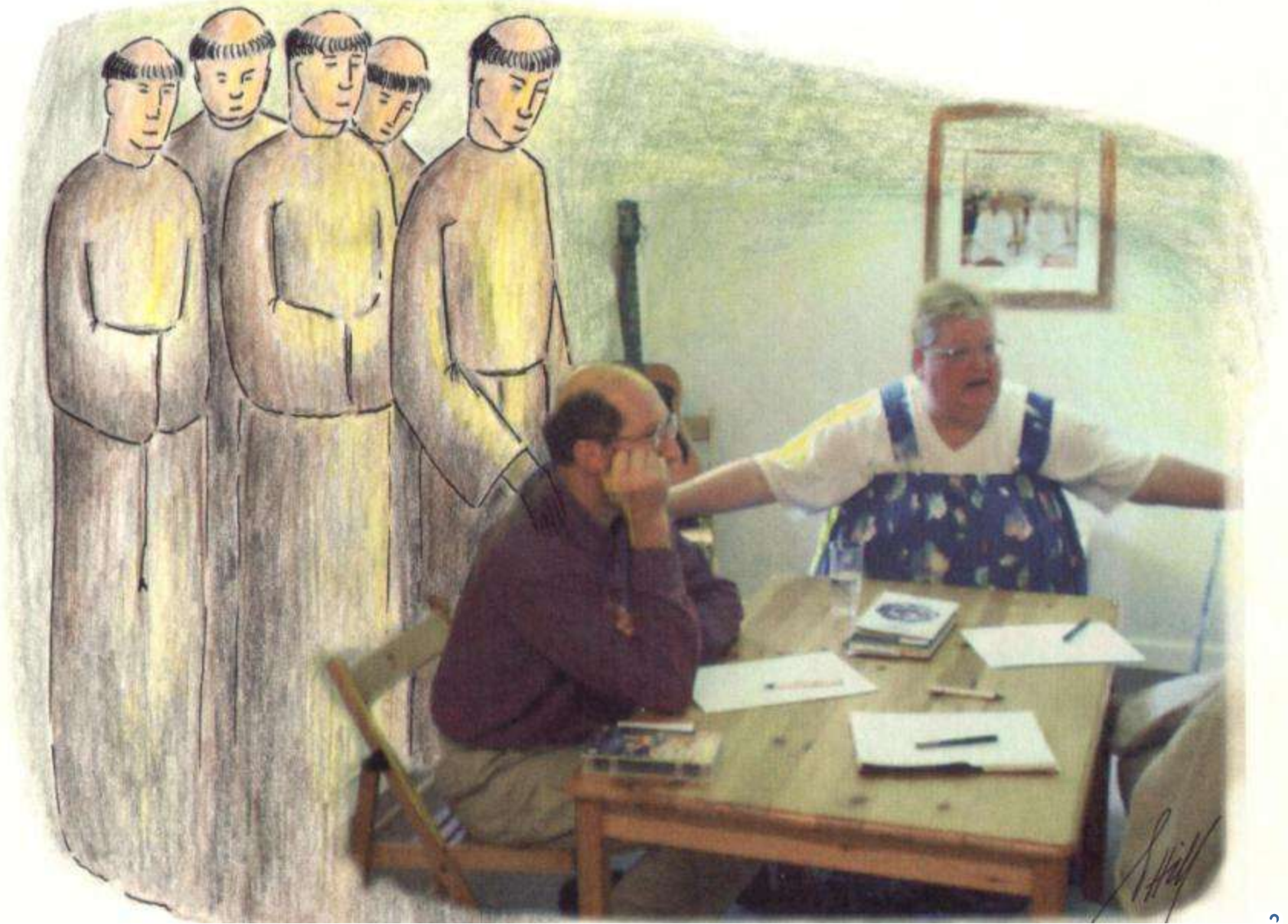
حضور جدی ارواح در زندگی انسانهای روی زمین



تجربیات یک زوج برکت گرفته در ارتباط با انسانهای روح را در اینجا مشاهده خواهیم کرد. دید روحی این برادر باز بوده و می‌تواند حضور ارواح را مشاهده کند. تصاویری را که مشاهده خواهید کرد، نقاشی‌های خود او از مشاهداتش می‌باشد. مشاهدات و گفته‌های این برادر مورد تایید دمونیم قرار گرفته است.



حضور ارواح در حین تدریس اصل الهی



در طی تدریس در پانزدهم سپتامبر دوهزار و یک، چند روحانی بودایی به تدریسات گوش می‌دهند.



در پانزدهم سپتامبر دو هزار و یک، در طی تدریس ارواح دیگری نیز در حال گوش دادن به تدریسات دیده شدند.



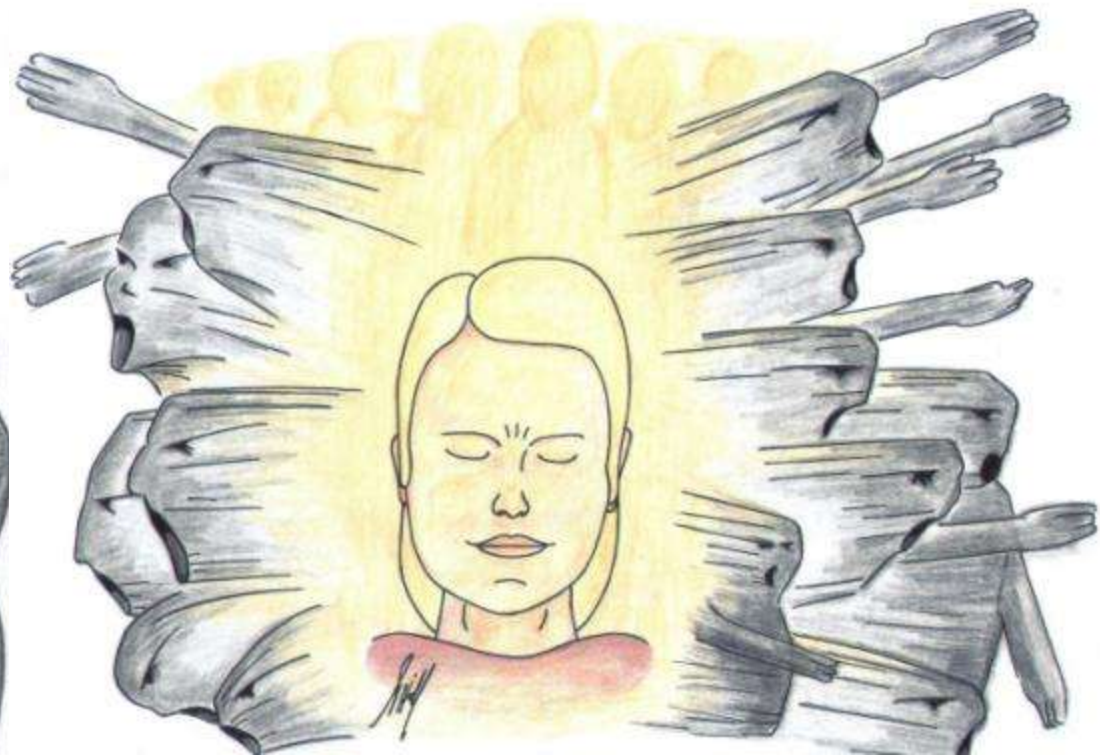
در سال 1996 وقتیکه به چانگ پیانگ رفته بودم. یک روز صبح زود که برای دعا به هولی گراند رفتم در جلوی چشمه‌ی آب زندگی، مقداری آب برداشته و در حال دعا برای سلامتی خود بودم که دیدم چند فرشته در اطرافم ایستاده‌اند. یکی از آنها که در سمت چپ من ایستاده بود چیزی شبیه پوست درخت در جام آب من ریخت. بعد من آن را بهم زده و نوشیدم. در آن لحظه چیزی احساس نکردم. اما بعد از صبحانه‌ی آن روز بود که از درد کهنه‌ای که در کمرم احساس می‌کردم، دیگر اثری ندیدم.



در سال دوهزار و یک و هفتاد و هشتاد و نهم، در یکی از برنامه‌های انسو شرکت بودیم، دمونیم به صورت روحی ظاهر شد و در میان اعضا قدم می‌زد و ارواح جدا شده از بدن جسمی آنها را هدایت می‌کرد. در این حین در برابر همسرم ایستاد و شروع به انسو بر روی شکم و رحم او کرد. می‌دیدم که چطور چیزهایی روحی از همسرم بیرون می‌آمد و چطور به بدنهای روحی مبدل می‌شد و اینکه چطور فرشتگان آن ارواح را به بیرون از آن محل هدایت می‌کردند.



یک روح مذهبی متدین که در زندگی روی زمین خود با مالیات فقرا زندگی می کرده، این فرد را مورد رنج و آزار قرار می داد. این روح با زنجیرهای طلایی به یک صندلی بسته شده بود و ارواح آزار دیده از او نیز همواره دور و بر او بودند. با آشنا شدن این برادر با اصل الهی، تمامی این ارواح پلید او را ترک گفتند.



افکار منفی باعث جذب ارواح منفی و پلید می‌شوند. اما
وقتیکه شما شرطی برپا داشته و مثلا به دیگران خدمت
می‌کنید، این ارواح منفی وجود شما را ترک گفته و جا
برای حضور ارواح مثبت و نورانی باز می‌شود.



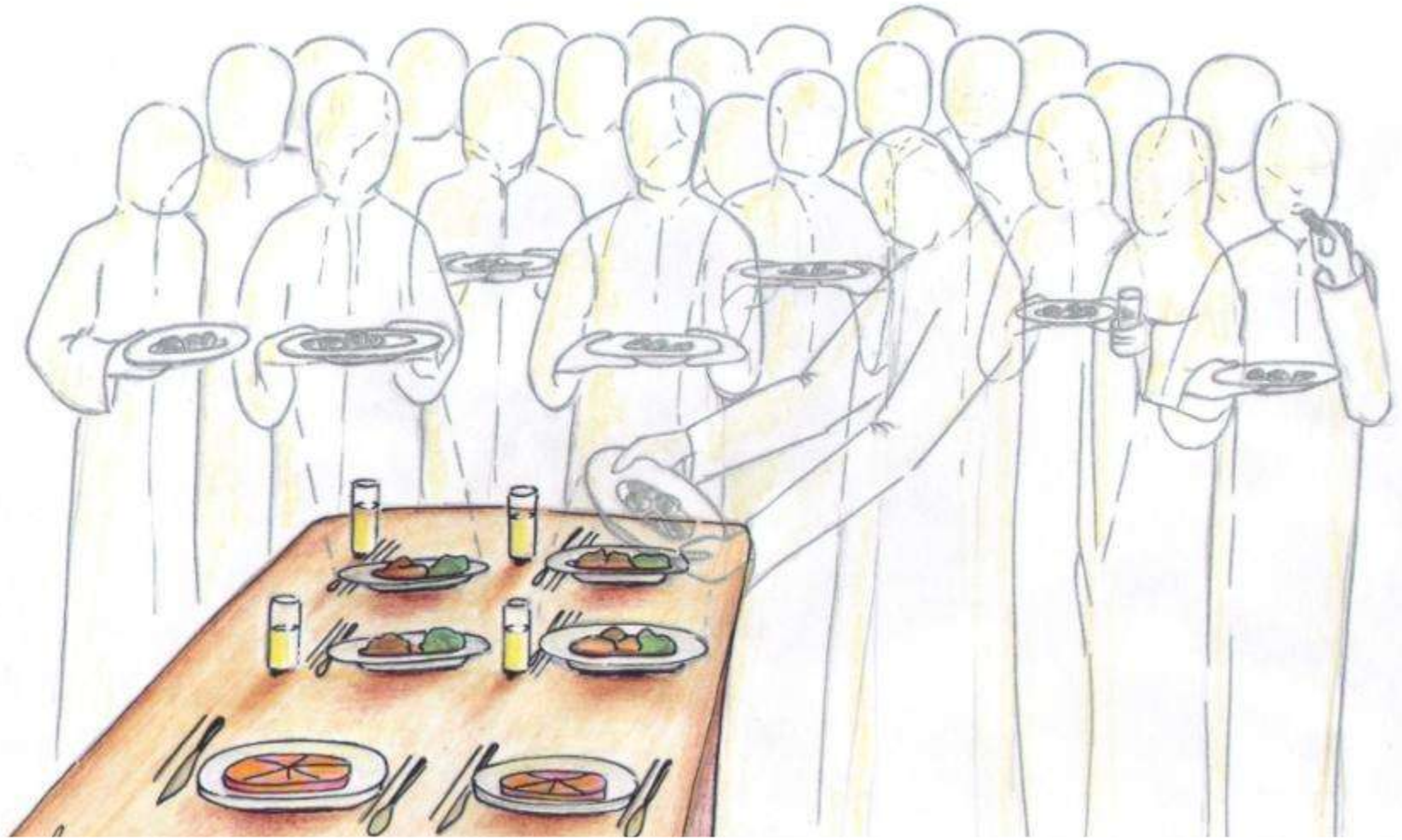
با سیگار کشیدن و نوشیدن
مشروبات الکلی، شما روحتان
را تضعیف نموده و همین امر
ارواح پلید را بسوی شما
جذب کرده و آنها عنصر
زندگی وجود شما را مکیده و
اینگونه شما هر چه بیشتر در
برابر وساوس و حملات
روحی ضعیف می‌شوید.



یک روز در سال 1999 در حین هون دوک
هه، وقتیکه همسرم در حال خواندن سخنان
والدین راستین بود، دیدم که پشت سر او یک
تونل باز شد که در انتهای آن یک منبع نور
دیده می‌شد و ارواح بسیاری هم در امتداد آن
نور صف بسته بودند. بعد مادر مادربزرگ
همسرم ظاهر شد و همانطور که همسرم در
حال خواندن سخنان بود، فضا کم‌کم روشن و
نورانی شد و همینطور رنگ ارواحی هم که
آنجا نشسته بودند نورانی شدند. همسرم چند
روزی بود که از یک سردرد رنج می‌برد
ولی بعد از آن هون دوک هه و آن اتفاق روحی
دیگر اثری از سردرد دیده نشد.



چهاردهم آوریل سال دوهزار و یک در حین برنامه‌ی هون دوک بود که چهل و دو نفر از اجدادمان که در چانگ پیانگ آزاد کرده بودیم به خانه‌ی ما آمده و در حین خواندن سخنان والدین توسط همسر، در اطاق ایستاده و به سخنان گوش می‌دادند.



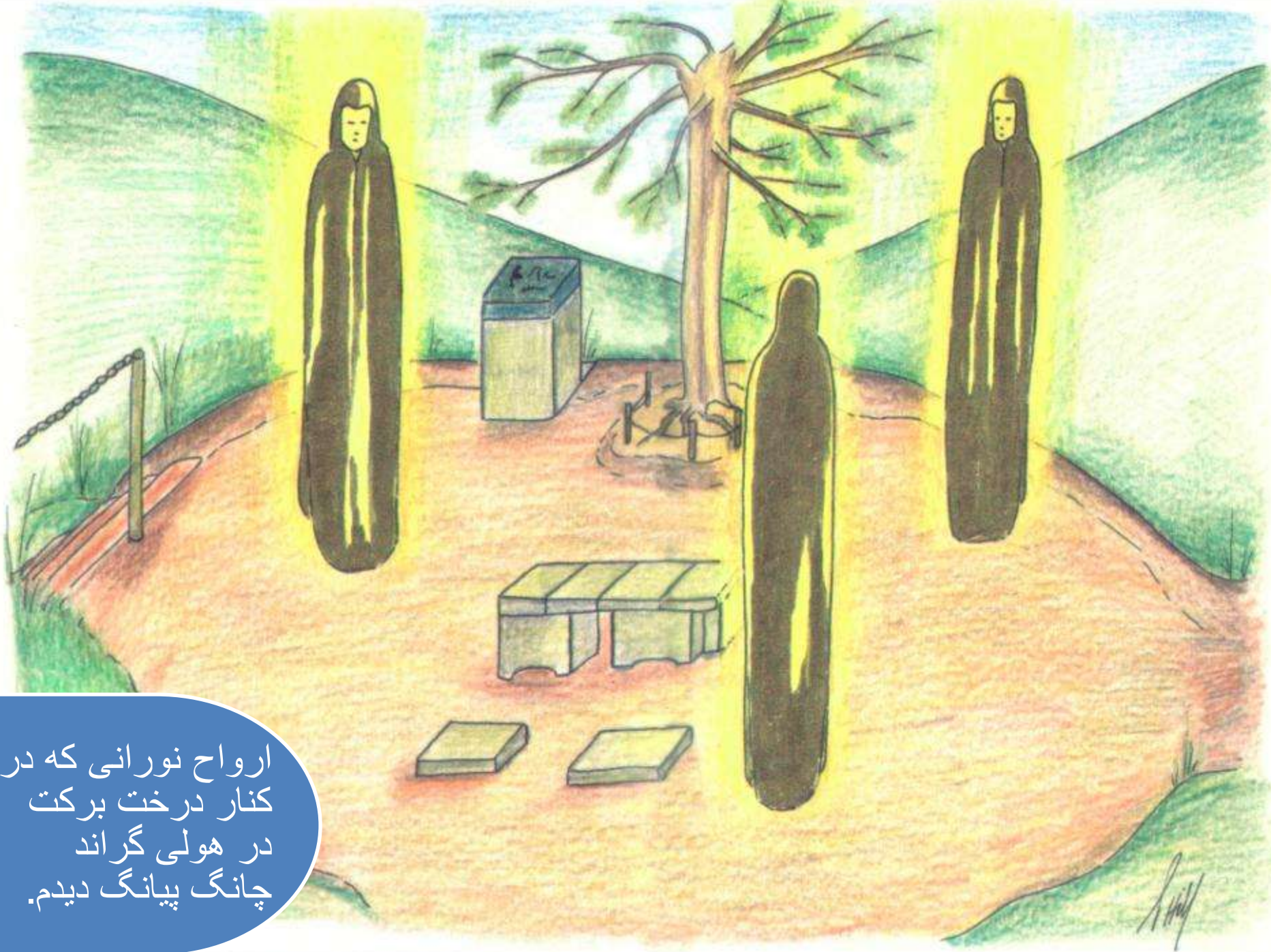
روزی صد و نود و دو نفر از اجداد پدري و مادري من و همسر من را که برکت گرفته بودند، برای صرف شام به خانه دعوت کرده و بدنبال آماده کردن دو نوع غذای انگلیسی و آلمانی، چهار بشقاب، به تعداد چهار قبیله برای آنها روی میز گذاشتیم و هر کدام از آنها بشقابی برای خود برمی داشتند که بلافاصله به غذای روحی مبدل می شد. اینگونه تمامی آنها از همین چهار بشقاب برداشتند. با هم شروع به خوردن غذا کردیم اما با اتمام غذا خوردن آنها، غذایی که ما می خوردیم دیگر مزه ای نداشت.



سال 1998 یک روز من و همسر در اطاق نشیمن برای تکثیر شمع اتحاد در حال دعا بودیم که دیدم ارواح بسیار نورانی در اطاق جمع شدند و تمامی فضای اطاق را کاملاً نورانی و درخشان کردند.



در حین یک ورکشاپ در
چانگ پیانگ، دیدم که چطور
یک روح از وجود برادری
بیرون می‌آمد. نخست سر او
بیرون آمده بود و از این همه
سر و صدا در آنجا نگران بنظر
می‌رسید. بعد وقتیکه راه خروج
را دید کاملاً بیرون آمد.



ارواح نورانی که در
کنار درخت برکت
در هولی گراند
چانگ پیانگ دیدم.